دیدگاه

اصلاحات ناممکن در عربستان سعودی

عمرو حمزاوی*
ترجمه: محمد مالکی

بخش اول

عربستان سعودی در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی قرن گذشته شاهد دوران تحکیم سلطه دیکتاتوری بود. خانواده آل‌سعود از درآمدهای نفتی برای تقویت سیطره خود و گسترش شبکه‌های وفاداری موروثی موجود در تمام نقاط کشور استفاده می‌کردند. به این ترتیب همراه با حجیم شدن دستگاه حکومت، نیروهای امنیتی و موسسات دینی وهابی نقش مسلطی یافتند و سلطه خود را بر جامعه شدت بخشیدند و به تدریج گرایشات سرکوبگرانه، ایدئولوژیک، وهابی، اصولگرا و تبدیل به ستون فقرات جامعه عربستان سعودی شد. حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، جامعه عربستان را در معرض نتایج فاجعه‌آمیز غفلت حکومت وهابی قرار داد. اولین نتیجه حملات یازده سپتامبر این بود که خانواده سلطنتی برای انجام اصلاحات جهت مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم تحت فشارهای بین‌المللی قرار گرفتند. این رویداد انگیزه‌ای برای آغاز بحث میان نخبگان فکری و سیاسی به وجود آورد و سئوالاتی مانند «چه پیش آمده است؟» و «چه باید کرد؟» مطرح شد و به ناگاه درخواست‌های اصلاحات در داخل کشور گوش شنوایی پیدا کردند. در سال‌های اخیر، این دو عامل ـ تقاضاهای داخلی و بین‌المللی برای انجام اصلاحات – نمونه‌های بارزی از فضای باز و پویایی را در صحنه سیاسی عربستان متجلی کرده‌اند. همچنین این دو عامل، انگیزه‌های کافی را برای ترغیب حکومت جهت حرکت در مسیر اصلاحات به وجود آورده‌اند. اقدامات اصلاح‌گرایانه جدید در عربستان در پهنه منازعات قدرت بین بازیگران اصلی صحنه سیاسی به وجود آمده است. اما پیوندهای محکم بین خانواده سلطنتی و موسسات دینی وهابی تا حد زیادی سرعت و میزان اصلاحات را محدود کرد. با این حال، بازیگران دیگری وارد صحنه سیاسی شدند و نقش مهمی در شکل‌گیری فرآیند اصلاحات ایفا کردند. به‌رغم اینکه این مجموعه‌های مجزا از هم مثل مجموعه اصلاح‌طلبان لیبرال، اسلامگرایان میانه‌رو و رجال مذهبی محافظه‌کار منتقد وهابیت رسمی خیلی بعید است که به شکل جنبش‌های اپوزیسیون منظم و فعال درآیند، آنها اصلاحات مورد نظر خود را برای افکار عمومی مطرح کردند و خانواده سلطنتی و موسسات دینی را مجبور کردند که به خواسته‌های آنها توجه نشان دهند. اصلاحاتی که حکومت عربستان در سال‌های اخیر انجام داد، پویایی را به مجالس مشورتی موجود، بازگرداند و انتخابات را در سطح شوراهای شهر به انجام رساند. همچنین فرصت جدیدی برای مشارکت شهروندان در موسسات جامعه مدنی فراهم شد و گستره آزادی‌ها در زندگی روزمره به صورت چشمگیری افزایش یافت. افزون بر این موارد، صحنه سیاسی کشور با ورود بازیگران جدید تنوع بیشتری را شاهد شد. این بازیگران توانستند با برنامه‌های اصلاح‌گرایانه خود حمایت مردم را به سوی خود جلب کنند. هر چند این دگرگونی‌ها گشایش مهمی در صحنه سیاسی عربستان محسوب می‌شود، اما نتوانست در ذات دیکتاتورمآبانه نظام سیاسی این کشور تغییراتی ریشه‌ای ایجاد کند. خانواده پادشاهی و موسسات دینی وهابی جایگاه مسلط خود را در جامعه حفظ کردند و قدرت آنها برای منحرف کردن، متوقف کردن و حتی واژگون ساختن اصلاحات کاهش نیافت. فرآیند اصلاحات در عربستان در غیاب مراکز قدرت رقیب، به صورت محدود باقی خواهد ماند و در معرض نابودی قرار خواهد گرفت.

■ نقش عوامل خارجی

تلاش برای تقویت فضای باز سیاسی در عربستان سعودی، در مجموع، ایالات متحده آمریکا و اروپا را با شرایط سختی روبه‌رو ساخته است. در مورد عربستان، ایالات متحده و اروپا گزینه اعطای کمک‌های اقتصادی و نظامی را در اختیار ندارند تا ارسال این کمک‌ها را مشروط به اجرای اصلاحات بکنند. برعکس، اقتصاد غرب به میزان زیادی به نفت عربستان وابسته است و این امر در سال‌های اخیر افزایش یافته است. در نتیجه این عوامل، فشار غرب و به‌ویژه آمریکا به عربستان جهت انجام اصلاحات از یازده سپتامبر تاکنون غیرسختگیرانه و دارای تأثیر محدودی بوده است. در ابتدا پس از آنکه معلوم شد بیشتر ربایندگان هواپیماها در ۱۱ سپتامبر تبعه عربستان بودند، حکومت بوش دچار بهت و حیرت شد و پس از آن برخانواده سلطنتی فشار آورد تا با افراط‌گرایی و تروریسم مبارزه کند و هنوز هم این فشارها ادامه دارد.

* پژوهشگر موسسه کارنگی اندومانت برای صلح بین‌المللی در واشینگتن

منبع: qantara.de

تعدیل امیر سابقاً سرکش سعودی

آنتونی شدید
ترجمه: عادل عبداللهی

اول قهوه و پس از آن خرما آوردند. در آن هنگام امیر طلال، فرزند بنیان‌گذار عربستان سعودی و کسی که مدتی طولانی مورد انزجار خانواده حاکم بر عربستان بود، خنده نامانوسی کرد و گفت: «خرما و شیر شتر چیزی است که ما با آن زندگی می‌کردیم.» و این گفته اوست: «برای پیشرفت باید بعضی مواقع به گذشته نیز نگاه کرد.» طلال مردی است بلندقد و ۷۵ ساله که به‌رغم سالخوردگی‌اش هنوز نیز اعجاب‌انگیز به نظر می‌رسد. در حالی که مشغول کشیدن سیگار است می‌توان نشانه‌هایی از مبارزه‌طلبی را در او مشاهده کرد و از نظر اطلاعات نیز تا حدودی، و البته به صورتی کاملاً هوشیارانه، از جانب مشاورین خود راهنمایی می‌شود. با این وجود کمر درد او را تا حدودی ضعیف کرده و امروزه او تنها نام مردی را دارد که زمانی در عربستان سعودی به «امیر سرخ» شهرت داشت. رنگ سرخ حاکی از سیاست‌های طلال بود: مردی چپ‌گرا که در دوران جوانی گرایشاتش او را به مخالفت علیه خاندان حاکم سعودی برانگیخت، رژیم حاکم را به لرزه درآورد و باعث شد تا او را به لبنان و مصر تبعید کنند. این روزها صدای او کمی ضعیف‌تر به نظر می‌رسد که شاید عامل این امر ناکامی‌هایش باشد. اما با این وجود سخنان او درباره خانواده‌اش به صورت قابل توجهی تکرار همان حرف‌های قبلی‌اش است. او در حالی که در کاخ فخریه نشسته در مورد برادران و پسرعموهایش می‌گوید: «در این کشور این خانواده حاکم و فرمانروا هستند و این کار نمی‌تواند به همین صورت ادامه پیدا کند و اگر قرار است که تغییری در نظام پادشاهی این کشور داده شود باید در ماهیت قدرت و حکومت نیز تغییراتی ایجاد شود.» طلال کارهای فراوانی انجام داده است؛ به مدت پنجاه سال به‌عنوان یکی از چهره‌های آزادی‌خواه از درون محسوب می‌شد؛ انسان بشردوستی که بی‌رحمی را، که روزی آن را از سیاست دور می‌داشت، در کار خود وارد کرده است و کوره امید آزادی‌خواهانی است که بسیاری از آنها معتقدند انجام تغییرات در این کشور تنها تحت حمایت دین و نوین‌سازی آن قابل اجرا است و این امر از طریق مذاکرات پیرامون موضوعات دنیوی از جمله جامعه مدنی و حقوق فردی قابل اجرا نیست. با این وجود شاید بتوان گفت که جالب‌ترین موضوع این است که طلال فرآیند اصلاحات دموکراتیک موجود در دنیای عرب را مورد بحث قرار می‌دهد، که اخیراً نیز از سوی دولت بوش مورد تاکید قرار گرفته است و زمینه‌ای گسترده‌تر و ماندگارتر را به تصویر می‌کشد. وی بیشتر با مسائل مربوط به تجربه سر و کار دارد تا وعده و وعید. در خواسته‌های طلال برای ایجاد تحولات در عربستان سعودی نسبت به خواسته‌هایش در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، که در آن زمان نقش او به‌عنوان یک دلسوز کمونیست رد شد تغییری ایجاد نشده است. او یکی از منتقدین سیاست‌های آمریکا است و آخرین مورد از ضعف‌های سیاست آمریکا را فاجعه عراق می‌داند. از نظر طلال خود درگیری در عراق چیز جدیدی نیست بلکه تنها مبارزان این جنگ تغییر پیدا کرده‌اند. و در سخنان او نوعی حقانیت نسبت به گفته‌های خودش مشاهده می‌شود که معتقد است امروزه دیگر اهمیتی ندارند. او می‌گوید: «این جهان است که عوض شده است نه من و گذشت زمان صحت گفته‌های مرا اثبات کرده است.» او می‌افزاید: «بعضی از افراد خانواده مخالف آن افکار بودند. ولی اکنون آنها مشغول صحبت درآن‌باره هستند.» این روزها طلال از قانون اساسی حمایت می‌کند که سلطه مطلق قانون را محدود می‌کند: «قراردادی اجتماعی فی‌مابین مردم و حاکمان». او می‌گوید که امروزه پارلمان ارگانی ضعیف و انتصابی است تا انتخابی که به اصطلاح شورای مشورتی نامیده می‌شود. و تنها بخش کوچکی از این شورا توسط مردم انتخاب می‌شوند. این شورا دارای حق سرپرستی، تخصیص بودجه، نظارت بر فعالیت‌های دولت و استیضاح وزرا است. طلال در مورد مسئله زنان در حالی که سرش را تکان می‌دهد می‌گوید: «ما در حال حاضر بیش از دو میلیون دانش‌آموز دختر داریم. آنها بعد از فارغ‌التحصیلی چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ ما دو انتخاب داریم. یا می‌توانیم مدارس دخترانه را تعطیل کرده و به آنها اجازه تحصیلی ندهیم یا این که موقعیت شغلی آنها را فراهم کنیم.» او می‌خندد و می‌گوید: آیا می‌توانید تصور کنید که زنان در عربستان سعودی حق رانندگی ندارند؟ او به موارد مورد اعتراض خود ادامه داده و می‌گوید: «تندرویان مذهبی از پیشرفت کار جلوگیری می‌کنند. بزرگان دینی این کشور، که برای مدت طویلی از هم‌پیمانان خانواده خود او بودند، باید همزمان با تشکیل قوه‌های قضائیه، مجریه و قانون‌گذاری در این کشور از صحنه کناره‌گیری می‌کردند. او می‌گوید طی این مدت عربستان سعودی باید فرآیند انتقال سلطنت از پسران سالخورده بنیان‌گذار پادشاهی را به نوه‌های او تعیین می‌کرد. و این کار باید پیش از شروع رقابت قریب‌الوقوع موجود بین شاخه‌های مختلف مجلس سعودی اتفاق بیفتد. می‌گوید: «هنوز هم هدف ما این است که مردم در تشکیل نظریات و فرآیند تصمیم‌گیری حضور داشته باشند». و کلماتی مشابه در نقطه عطفی دیگر: «حالا دیگر از اندیشه مبهم امیر سرخ، لقبی که آمریکایی‌ها به من داده بودند، رهایی پیدا کرده‌ام.» طلال به فرزند محبوب عبدالعزیز ابن سعد، جنگجوی بیابان که در بین سال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۵ ارتشی از خشکه‌مذهبی‌ها را در فتح قسمت عظیمی از شبه‌جزیره عربستان به میدان اعزام کرد، معروف است. عبدالعزیز در سال ۱۹۳۲ به پادشاهی رسید و سرانجام صاحب طلال و ۳۵ وارث شناخته شده دیگر شد که همگی حاصل ازدواج‌های او با دختران قبایل متعدد و سرکش عربستان بودند که همین امر به روابط او با این قبایل استحکام بخشید. مادر طلال یک خدمتکار بود، که بنابر بعضی گفته‌ها اصلیت قفقازی و بنا بر گفته‌های دیگر اصلیت ارمنی داشت، که در نهایت به همسر مورد علاقه عبدالعزیز تبدیل شد. طلال کودک بسیار تیزهوشی بود و اوقات خود را در بیروت سپری می‌کرد و سرانجام در آنجا با منا الصلح دختر اولین نخست‌وزیر پس از استقلال لبنان ازدواج کرد. (و یکی از بچه‌های آنها به نام ولید ابن طلال است که امروزه یکی از سرمایه‌گذاران میلیاردر عربستان است. لبنان به‌عنوان مقدمه‌ای برای آرمان‌های مربوط به کل کشورهای عربی طلال محسوب می‌شود. و این آرمان‌ها از طرف خانواده بزرگ صلح نیز مورد حمایت قرار می‌گرفتند و نمونه‌ای بودند از گرایشات جهان. شهر بیروت که در حال شکل گرفتن بود. پس از مرگ عزیز در سال ۱۹۵۳ عربستان در سال‌های بعدی دچار هرج و مرج و ناآرامی شد. و قدرت به دست سعدابن عبدالعزیز بزرگ‌ترین فرزند سعد افتاد. پادشاه جدید فرد ولخرجی بود که مهارت او در گشاده‌دستی نسبت به قبایل از اداره امور کشور قوی‌تر بود. چیزی نگذشت که برادرانش نسبت به حکومت او معترض شدند و طلال در خلال این رقابت راه را برای نفوذ خود باز کرد. در ابتدای کار عبدالله، امیر کنونی عربستان، یکی از متحدین بود ودر زمان وزارت او طلال شروع به واردکردن فشار برای اصلاحاتش کرد و این اصلاحات عبارت بودند از: تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات، تشکیل پارلمان و آزادی مطبوعات. به‌طور دسته‌جمعی او و متحدانش به «امر آزاد» شهرت یافتند و این اسم از افسران آزادی که در سال ۱۹۵۲ حکومت مصر را برانداختند گرفته شده بود. و در نهایت رهبری این افسران را جمال عبدالناصر به عهده داشت و او اکنون اقرار می‌کند که خیلی تند پیش می‌رفتند. طلال می‌گوید: «خیلی جوان بودیم و انجام ۱۰۰ درصد امور را می‌خواستیم. اما اگر ما حتی به ۵۰ درصد و یا ۶۰ درصد می‌رسیدیم می‌توانستیم موفق شویم.» سعد، پادشاه عربستان، ایده تدوین قانون اساسی را نپذیرفت و طلال با چاپ مقالاتی در روزنامه‌های مصر و لبنان به شدت از این تصمیم انتقاد کرد. و زمانی که طلال در سال ۱۹۶۱ برای انجام تعطیلات به بیروت رفته بود سعد از این فرصت استفاده کرده و در اقدامی علیه طلال او را عنصری نامطلوب نامید. طلال رودررویی خود در سفارت عربستان در بیروت را به یاد می‌آورد که سفیر عربستان از او و برادرانش خواست تا اسناد سفر خود را به او نشان دهند. «من گفتم چه دلیلی دارد؟» او گفت: «دلیل خاصی ندارم. این فقط دستور پادشاه عربستان است.» گفتم «اگر گذرنامه جزء اموال سعد محسوب می‌شود این کار را انجام بده. ولی اگر جزء اموال عربستان به حساب آید من کاملاً حق نگهداری آن را دارم» و گذرنامه را به او دادم. برخلاف عقل سلیم سعد، طلال و چهار برادرش در سال ۱۹۶۲ از ناصر تقاضای کمک کردند و در آن زمان ناصر نسلی از مردم را با وعده‌های اتحاد کشورهای عربی، آزادی فلسطین و محکوم‌سازی رژیم‌هایی مانند عربستان سعودی، که در نظر او حالتی واپس‌گرا داشتند، مات و مبهوت کرده بود. برخلاف بسیاری از افراد خانواده سلطنتی عربستان طلال شیفته رئیس‌جمهور مصر شد، و می‌گوید که امروز همچنین حسی دارد... اما ترس از آن دارد که مورد استثمار واقع شود. طلال می‌گوید: «من به ناصر گفتم ما فقط برای گرفتن گذرنامه آمده‌ایم و می‌خواهیم به لبنان برویم. من قصد ماندن در کنار او را نداشتم. من سیاست و طرز فکر او را می‌دانستم. او به من گفت ۵۰۰ گذرنامه برایت تهیه می‌کنم.» تا دو ماه از گذرنامه‌ها خبری نشد و در طی این مدت طلال در رادیو صدای عرب فعالیت می‌کرد که از قاهره پخش می‌شد و بعضی مواقع نیز صدای گوش‌خراش ناصر را پخش می‌کرد. سخنرانی‌های او در خصوص محکوم‌سازی حاکمان عربستان سعودی و تلاش او برای ایجاد اصلاحات در این کشور بود و همین امر نیز به شهرت او به‌عنوان امیر سرخ اعتبار بیشتری بخشید و دو سال دیگر تا بازگشت او به عربستان زمان باقی مانده بود. برای چندین سال تلاش خاموش ماند و طی این مدت در حال جمع‌آوری ثروت و اداره یک موسسه خیریه بود. اما در سال‌های اخیر و معمولاً از کاخ فخریه او فشار برای انجام اصلاحات را از سر گرفته است و از نظر او خانواده‌اش می‌توانند از طریق تعریف دوباره نقش او منجر به تغییراتی شوند. او در حالی که در کنار تصویر شجره خانوادگی خود نشسته می‌گوید: «در قرن ۲۱ پادشاه باید نگهبان قوانین باشد. اما این قوانین و مصوبات نیز باید از طرف مردم تصویب شده باشند و این مردم هستند که می‌بایست نمایندگان پارلمان را انتخاب کنند.» او هنوز هم نسبت به اهداف ایالات متحده بدگمان است و طی سفر هفته پیش خود به مصر در دانشگاه آمریکایی‌های قاهره سخنرانی‌ای ایراد کرد. خیلی آرام به نظر می‌رسید با کت شلواری تیره رنگ و کراواتی قرمز آلبالویی. در یک جا او زنان حاضر در جلسه را تشویق به پرسیدن سئوالاتی می‌کرد و همانند فعالیت‌های ۴۵ سال پیش خود، سعی می‌کرد تا نیازهای کشور خود به اصلاحات را از سیاست‌های آمریکا در این منطقه جدا سازد. طلال با اشاره به موفقیت فعالان سیاسی اسلام‌گرا در انتخابات اخیر مصر و سرزمین‌های فلسطینی می‌گوید: «آیا آمریکا واقعاً خواستار برگزاری انتخاباتی مستقیم و بی‌شبهه است تا بدین وسیله مردم بتوانند خود تصمیم بگیرند که چه کسانی بر آنها حکومت کنند؟ و یا این که آیا ما سعی در برگزاری انتخابات به نحوی داریم که با منافع آمریکا در یک راستا باشد؟» در سیاست‌های ریاکارانه مجلس سعد جایی برای طلال وجود ندارد. او یکی از اعضای شورای خانواده و یکی از اعضای ۱۸ نفره دارای نفوذ از نوادگان عبدالعزیز و دیگر شاخه‌های خانواده‌اش است. بعضی افراد بر این اعتقاد هستند که عبدالله از او حرف شنوی دارد و شاهزاده ترکی، پسر شاه نیز می‌گوید که او جلسات هفتگی‌ای را با پدرش برگزار می‌کند و این امر امیدی به محفل کوچک آزادیخواهان می‌بخشد. بشر بخیت، اقتصاددان و نامزد انتخابات شهرداری سال پیش می‌گوید: «همه چیز طبق مراد اوست. او فقط ۴۰ سال زودتر اقدام کرده بود.» دیگران هرگونه نفوذ خاص او را مورد تردید قرار می‌دهند و در خلوت بعضی از شاهزادگان با حالتی کینه‌توزانه به گذشته طلال نگاه می‌کنند. او به‌عنوان فردی آزادی‌خواه، در کشوری که حکومت را با ادعای مشروعیت دینی به دست گرفته است، همانند فردی تکرو و یاغی به نظر می‌رسد. عادل‌الطریفی روزنامه‌نویس و نویسنده عربستانی می‌گوید: «حتی یک روحانی که دارای صراحت کلام بوده و از اقلیت نیز هست، نسبت به طلال مورد توجه بیشتری از دولت قرار می‌گیرد.» طلال که کمی هم گوشش سنگین شده است ادعای نفوذ و سرشناسی نمی‌کند. او این روزها برای توصیف پادشاه جمله‌ای را که معمولاً در مورد بوش به کار می‌رود نقل می‌کند: «او قبل از ریاست جمهوری‌اش فردی ساده و بی‌شیله بود اما اکنون در زمان رئیس‌جمهوری‌اش به طرزی عجیب رفتار می‌کند.» و طلال در انتهای سخنانش آماده گرفتن عکس شد و با بی‌میلی تصمیم به بستن سربند سفید و سنتی خود گرفت و گفت: «از پوشیدنش نفرت دارم.»

منبع: واشینگتن پست

خبرها

صربستان استقلال مونته‌نگرو را پذیرفت

بی‌بی‌سی: «بوریس تادیچ» رئیس‌جمهور صربستان در نخستین واکنش این کشور به نتایج همه‌پرسی استقلال مونته‌نگرو آن را به رسمیت شناخت. تادیچ در یک کنفرانس خبری گفت: «من نتایج مقدماتی‌ای که کمیسیون مسئول رفراندوم به آن رسیده است را می‌پذیرم.» نتایج رسمی همه‌پرسی روز یکشنبه حاکی از آن است که ۵۵/۵ درصد از رای‌دهندگان خواستار جدایی مونته‌نگرو از صربستان شده‌اند. برای تحقق جدایی لازم بود ۵۵ درصد به آن رای دهند. اما درخواست احزاب هوادار وحدت و طرفدار صربستان برای بازشماری آرا رد شده است. تادیچ گفت: «همان‌طور که می‌دانید، من طرفدار ادامه اتحاد صربستان و مونته‌نگرو به‌عنوان یک کشور بودم... اما به‌عنوان یک دموکرات و رئیس‌جمهور یک کشور دموکراتیک، کاملاً آماده‌ام تصمیم اکثریت شهروندان مونته‌نگرو را بپذیرم. مونته‌نگرو همواره می‌تواند صربستان را به‌عنوان یک شریک و دوست حساب کند.» بعد از این اظهارات، وویسلاو کوشتونیتزا نخست‌وزیر صربستان که یک ملی‌گرا و مخالف سرسخت جدایی مونته‌نگرو بود، گفت: صربستان آماده است نتایج همه‌پرسی را «زمانی که نهایی شد» بپذیرد. او در بلگراد به خبرنگاران گفت: «همه‌پرسی یک رویداد مهم است و کوچکترین تردیدی درباره سلامت آن باید برطرف شود.»

اعتراض رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به بوش

فارس: رئیس مجلس نمایندگان آمریکا از رفتار بی‌سابقه نیروهای پلیس فدرال این کشور در حمله به دفتر یکی از نمایندگان مستقیماً به رئیس‌جمهور این کشور اعتراض کرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس دنیس هسترت رئیس مجلس نمایندگان آمریکا پس از دیدار با جورج بوش در کاخ سفید گفت: «نظر من آن است که نیروهای پلیس مسیر اشتباهی را در پیش گرفتند. آنها باید از موضع خود عقب‌نشینی کنند.» در همین حال مسئولان اعلام کرده‌اند نمایندگان عالی‌رتبه دموکرات در حال تلاش برای جلوگیری از انتصاب ویلیام جفرسون نماینده مورد نظر پلیس فدرال در یک کمیته قدرتمند مجلس، حداقل به‌صورت موقت هستند. مسئولان کاخ سفید اعلام کرده‌اند تنها پس از حملات روز شنبه و یکشنبه نیروهای پلیس به دفتر کار ویلیام جفرسون نماینده دموکرات لوئیز یانا در مجلس از این اتفاق آگاه شده‌اند و پیش از آن در جریان این حمله نبوده‌اند. دولت در حال همکاری با وزارت دادگستری برای آرام‌کردن این نماینده خشمگین است. ماموران پلیس فدرال آمریکا هفته گذشته به دفتر جفرسون حمله کردند و پس از آن استشهادنامه‌ای منتشر و اعلام کردند پیش از آن ۹۰ هزار دلار پول نقد بسته‌بندی شده در یخچال منزل وی کشف کرده بودند. جفرسون تا به حال متهم نشده و هرگونه خلافکاری را تکذیب کرده است اما این مسئله باعث نگرانی در طبقات بالاتر جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در هر دو مجلس آمریکا شده است.

رای اعتماد مجلس ایتالیا به پرودی

ایلنا: مجلس نمایندگان ایتالیا به دولت جدید «رومانو پرودی» رهبر ائتلاف چپ میانه این کشور رای اعتماد داد. آسوشیتدپرس گزارش داد مجلس نمایندگان ایتالیا با ۳۴۴ رای مثبت نسبت به ۲۶۸ رای منفی به دولت جدید پرودی نخست‌وزیر جدید ایتالیا رای اعتماد داد تا وی پس از گذشت شش هفته از برگزاری انتخابات پارلمانی فعالیت خود را آغاز کند. پرودی در جمع خبرنگاران گفت: «بهتر از این نمی‌شود.» او با اشاره به وضعیت اقتصادی ایتالیا گفت: «انتظارات عمومی بالا رفته است و شرایط نسبت به سال ۱۹۹۶ میلادی که در تلاش بودیم تا به حوزه یورو وارد شویم بسیار سخت‌تر شده است.» او افزود: «ایتالیا همچنین برای برقراری شرایط صلح در خاورمیانه نیز تلاش می‌کنند... ایتالیا در جنگ علیه تروریسم کامل و محکم شرکت خواهد کرد و در کنار دیگر کشورهای اروپایی و آمریکا باقی خواهد ماند.» بنابر این گزارش پرودی مستقیماً به جزئیات نقش ایتالیا برای محقق کردن شرایط صلح در خاورمیانه اشاره‌ای نکرد ولی «ماسیمو دالما» وزیر خارجه ایتالیا در اولین کنفرانس خود گفت که ایتالیا همگام با اروپا در مورد مسائل فلسطین حرکت می‌کند و تا زمانی که رهبران حماس موجودیت اسرائیل را به رسمیت نشناسند و خشونت‌ها را کنار نگذارند آرامش و مذاکرات محقق نخواهد شد. مجلس سنا ایتالیا هفته گذشته به «رومانو پرودی» رای اعتماد داده بود.